خراسان بزرگ:سال اول،شماره(۱)، زمستان ۱۳۸۹
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.1, No. 1, Winter 2009

تــوزیع فضایی نهــادهای پایتختی ایران
در خــراسان بــزرگ (از دیدگاه جغــرافیای سیاسی)

علیرضا عباسی سمنانی[۱]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵

چکیــده

مقوله‌ی پایتخت یا مرکزیت سیاسی در خراسان بزرگ، در طول تاریخ فراز و نشیب های زیادی داشته و به پیروی از تغییر حکومت، پایتخت نیز، جز در موارد اندکی، از شهری به شهر دیگر جابه‌جا شده است.نگاهی به گذشته‌ی تاریخی این تغییر و تحول، حاکی از انگیزه های مختلفی است که بـه تناسب مکان، زمان و ساختار اجتماعی حکومت و با در نظـر داشـتن راهبردهـای سیاسـی و مسـائل ژئوپلتیکی زمان، موجب جابه‌جایی مرکز سیاسی کشور شده است. ایـن انگیـزه در وهلـه‌ی نخسـت، تحت تأثیر جغرافیای سیاسی، نظامی، امنیتی، اقلیمی و در مرحلـه‌ی دوم ناشـی از عوامـل و شـرایط اقتصادی- اجتماعی بوده است.از این‌رو، واکاوی دلایل تغییر، جابـه‌جـایی و انتخـاب پایتخـت هـای خراسان بزرگ با تأکید بر علل جغرافیایی و ژئوپلتیکی زمان ایجاب مـی‌کنـد تـا جغرافیـای تـاریخی سرزمین ایران را در ادوار مختلف به همراه جغرافیای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت های حـاکم بر آن بررسی نماییم. بدین منظور در این پژوهش، پس از بررسی کلیات جغرافیایی خراسان بـزرگ و ویژگی های متنوع آن با تأکید بر مقوله‌ی مـرز و پایتخـت‌هـای آن، مطالعـات جغرافیـای تـاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خراسان بزرگ در دو بخش پیش و پس از اسلام مورد توجه قـرار مـی گیرد.

کلیــد واژه‌ها:
خـراسان بزرگ، نیشابور، مرو، بخارا، سمـرقند، هرات، غزنین.

---

[۱] دانشجوی دوره‌ی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

مقـدمه

یکی از مفاهیم اساسی در ساختار علم جغرافیا، مفهوم فضاست که بررسی پراکندگی پدیده ها در سطوح مختلف آن، موضوع علم جغرافیا را تشکیل مـی دهـد. از ویژگـی هـای اصـلی فضـای جغرافیایی می توان به محدودیتش از طریق حریم و مرزهای آن و پراکندگی پدیده هـا در سـطح آن اشاره کرد.

مفهوم فضا و پراکندگی پدیده های سطح آن محور مطالعات شاخه های علم جغرافیاست کـه وجه تمایز میان این شاخه ها، آزمایش‌های متفاوت بودن نوع پراکندگی هایی است که در هریک از این شاخه ها بررسی می شود. فضای جغرافیایی می تواند یک ناحیـه‌ی جغرافیـایی بـا ویژگـی های ممکن و یا سرزمین یک کشور باشد که دارای نواحی جغرافیایی مختلفی اسـت. بـه عبـارت دیگر، می توان گفت که در سطوح مختلف فضای جغرافیـایی، پراکنـدگی هـای متنـوعی از نظـر تراکم، تفرق و بافت پدیده ها وجود دارد که شاخه های مختلف علم جغرافیا به بررسی آن‌ها می-پردازند. در این میان، همراهی زمان با پدیده های جغرافیایی است که به علم جغرافیا پویایی مـی بخشد. درحقیقت، بررسی پراکندگی پدیده های جغرافیایی در ابعاد فضایی- زمانی، موضـوع علـم جغرافیاست که در شاخه های مختلف آن مورد مطالعه قرار می گیرد.

به علاوه جغرافیا، به عنوان یک سیستم قانونمند، کل واحدی را تشکیل مـی دهـد کـه همـه اجزای آن با هم پیوند دارد ودر شکل‌گیری مناسبات داخلی خـود، عناصـر و پدیـده هـای آن بـه صورت بصیر و نزدیک همدیگر را کنترل می‌کنند و تحـت تـأثیر قـرار مـی دهنـد. در جغرافیـای شهری، بررسی پراکندگی شهرها، ویژگی‌های متنوع و علـل چنـین پراکنـدگی هـایی در فضـای جغرافیایی مورد نظر است.

در جغرافیای سیاسی نیز سیاست مکان ها و تنوع پراکندگی آن ها مطالعـه مـی شـود. بـراین اساس، ارتباط بین توزیع فضایی شهرهای پایتختی به عنوان یکی از پدیـده هـای مـورد مطالعـه جغرافیایی شهری با سیاست های مکانی و مرز دولت‌های ایران که در جغرافیای سیاسـی مطالعـه می شود، موضوعی است که در این‌جا مطرح است. از آن‌جایی که مکان‌یابی شـهرهای پـایتختی ایران از جمله شهرهای واقع در خراسان بـزرگ از گذشـته تـاکنون، تحـت تـأثیر سیاسـت هـای اقتصادی، دفاعی، امنیتی و همچنین گسترش مرزهای سرزمینی دولت های ایران بوده اسـت، در این مقاله نیز نقش سیاست هـای جغرافیـایی (مکـانی- مـرزی) در انتخـاب شـهرهای پـایتختی

خراسان بزرگ بررسی خواهد شد. اما در این پژوهش، انتخاب عنوان «توزیـع فضـایی نمـادهـای پایتختی در خراسان بزرگ از دیدگاه جغرافیای سیاسی» به علت یک‌جانگری فضا- زمـان پدیـده در یک محدوده‌ی یکسان‌سازی‌شده از فضای سرزمین خراسان بزرگ از گذشته تـاکنون صـورت خواهد گرفت. بر آنیم تا با دنبال کردن تغییرات دولت ها و به تبع آن تغییرات مرزهای سیاسـی و ورود شهرهای دیگر به توزیع فضایی شهرهای پایتختی، اهمیت سیاسـت هـای مکـانی و مـرزی دولت های حاکم بر خراسان بزرگ در چگونگی توزیع فضـایی شـهرهای پـایتختی آن مشـخص نماییم.

چارچـوب نظری تحقیـق

امروزه، در جریان فرآیند جهانی شدن و ورود به پست‌مدرنیسم و درنتیجه، دگرگونی در نظـام تعاملات جهانی، این اقتصاد سیاسی فضا و عدالت اجتماعی است که چگونگی مناسـبات فضـایی بین شهرهای مختلف جهان و سلسله‌مراتب تأثیرپذیری را از همدیگر تعیـین مـی نمایـد، لـذا دو مقوله ی مذکور، نظام ارتباطی متمرکز بین شهرهای داخلی کشورها با پایتخت های آن ها را بـه هم ریخته و الگوی جدیدی از این مناسبات فضایی را طراحی ساخته که حول و حوش چند مادر-شهر میدانی تمرکز یافته است.

این بدان معناست که در آینده ای نزدیک با اصطلاح پایتخت های جهانی روبه‌رو خواهیم شد که در حال کمرنگ ساختن نقش کانونی- مرکزی شهرهای پایتختی کشورهاسـت. بـه سـرانجام رساندن این مباحث، زمینه را برای انجام تحقیقـات کـاربردی آتـی، نظیـر مکـان‌یـابی اجتمـاعی پایتخت های جدید، ساماندهی جدید سلسله‌مراتب شهری و مناسبات فضایی آن ها با یکـدیگر را فراهم می سازد.

تدوین این مقاله با اهداف کلی زیر صورت پذیرفته‌است:

- تبیین نقش سیاست های جغرافیـایی (مکـانی- مـرزی) در توزیـع و مناسـبات فضـایی شهرهای پایتختی ایران در خراسان بزرگ،
- تشخیص الگوهای قدیم و جدید از سیاست های جغرافیـایی در مکـان‌یـابی شـهرهای پایتختی.

قلمــرو و محدوده‌ی مــورد مطالعه

در طول تاریخ چند هزارساله ایران، عوامل جغرافیایی نقش مهمی در تعیین حدود محدوده ی سیاسی ایران داشته و اغلب مرزهای این کشور را تشکیل داده است. در شرق رود سند، در شــمال رودهای سیحون و جیحون و دریای خزر و کوه های قفقاز، در غرب رودهای دجلـه و فـرات و در جنوب خلیج همیشه فارس و دریای عمان در طول تاریخ مرزهای طبیعی ایران بوده اند. باتوجه به اینکه سیر تحولات مرزها منحصر به مرزهای طبیعی نبوده و گاهی در دوره هـای مختلـف نظیـر دوره ی هخامنشیان، مرزهای ایران فراتر رفته و تا اعماق اروپا و از شرق تا چین پیشروی داشــته است؛ این انبساط و انقباض در تعیین پایتخت های سیاسی این حکومت ها تأثیر داشته است، چرا که در گذشته به علت نبود امکانات پیشرفته جهت کنترل مرزها، به تبع انبساط فضای سـرزمینی یک دولت، وجود یک یا چند پایتخت را در نزدیک مرزهای بحرانی و متشنج الزامی می نمود، امـا این‌که کدام شهر به عنوان پایتخت انتخاب شود، بستگی به عوامل مختلف دیگـر جغرافیـایی و... داشت. آنچه مسلم است، اهمیت گسترش و یا کوچک شدن فضای سرزمین در انتخـاب پایتخـت جدید بوده است.

حال در اینجا جهت تبیین قلمرو خراسان بزرگ که شهرهای پایتختی ایران در محدوده‌ی آن کانون اصلی مقاله‌ی حاضراست، باید اذعان داشت که بسیاری از این مناطق و شهرها اکنون جزو قلمرو جغرافیایی سیاسی ایران نیست و در داخل محدوده‌ی سیاسی کشورهای دیگر واقع شده اند که ما در اینجا بنابر رسالت تحقیقاتی خود از آن‌ها نام می بریم.

بعضی از اندیشمندان معتقدند که مرزهای خراسان بزرگ از غرب به سبزوار، از شرق به ایالت سین کیانک کشور چین (شهر کاشفر)، از جنوب به محدوده‌ی بلوچستان و از شمال بـه رودهـای سیحون و جیحون ختم می‌شد از این منطقه‌ی بزرگ با عنوان "خراسان فرهنگی" نیز نـام بـرده اند. (ولایتی: ۱۳۸۶) ولی در این تحقیق منظور نویسندگان از خراسـان بـزرگ نـواحی اسـت کـه تحت حاکمیت حکومت های ایران بوده و حاکمان ایرانی بر آن‌جا حکومت کرده و پایتخت خود را نیز بر گزیده اند.

آغاز حکـومت در خـراسان بزرگ
مهـاجرت آریایی ها (اقـوام هند و ایرانی) به فلات ایران

دانش باستان‌شناس‌ها هنوز درباره ی پدیده ی مهاجرت و منشأ و زمان دقیق آن به مدارک و شواهد قطعی و روشنی دست نیافته و مستندات این رویدادها بیشتر متکی بر مبانی زبان‌شناختی و اسطوره‌های ثبت شده در کتاب *اوستا* و *داما* است و جنبه ی فرضی و احتمالی دارد.

فرضیه ارائه شده این است که «در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم پیش از میلاد» اقوامی کـه قـبلاً در سیبری جنوبی تا آسیای مرکزی می زیستند، به دلایلی چند با استفاده از ارابه و اسب از شـرق و غرب دریای کاسپین وارد فلات ایران شدند. مهاجرت اقوام آریایی (هند و ایرانی) ادامه مهاجرت اقوام (هند و اروپایی) در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد بـود کـه بـه آسـیای صـغیر رخنـه کردنـد و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ژرف و گسترده ای را در فرهنگ های محلی بر جای گذاشتند[۱].

دلایل این مهاجرت از دیدگاه اجتماعی عبارت بود از:

۱- تغییرات شدید اقلیمی و آغاز سرما و خشکسالی شدید،

۲- افزایش طبیعی جمعیت و به هم خوردن تعادل زیستی و هجوم مکـرر دشـمنان و اقـوام مهاجم.[۲]

تیره‌هایی از شعبه‌ی شرقی در آسیای مرکزی و ایران ساکن شدند که پارت ها از این گـروه اند، گروهی از آنان تا دره ی سند پیش رفته، با غلبه بر حکومت های بومی (در آویـدی) فرهنـگ آریایی هند را پایه‌ریزی کردند. گروهی دیگر در محدوده‌ی خراسان فعلی ماندند و نقش مهمی در حیات سیاسی و اجتماعی ایران داشتند[۳].

در باره‌ی توزیع جغرافیایی دقیق تر آریایی ها در ایران باید گفت کـه آن‌هـا پـس از ورود بـه ایران در ۱۶ کانون حکومتی یا به عبارتی واحد جغرافیایی پخش شدند[۴]. این واحدها با بسیاری از

---

[۱] ر.گریشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمدمعین چ ۱۰ (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۲).

[۲] رضا شعبانی، تاریخ احتمالی ایران (تهران: نشر قومش، ۱۳۷۱)، ص ۱۵-۱۴.

[۳] میخائیل میخاییلویچ، دیاکونف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز چ۲ (تهران: پیام، ۱۳۵۷).

[۴] حسن پیرنیا، شرایط اقلیمی کویر و مسائل مربوط به بناهای خشتی، معماری ایران(تهران: انتشارات مجرد، ۱۳۶۳).

واحدهای جغرافیایی فلات ایران یعنی آذربایجان، لرستان، خوزستـان، ری، فـارس، بـین‌النهـرین، ماوراءالنهر، افغانستان، هیرمند، پنجاب، شاهرود، گرگان، مازندران، گیلان، سواحل دریای عمـان و خلیج فارس و خراسان مطابقت دارد.

این مجموعه نشان‌دهنده‌ی آن است که در نقاط مختلـف فـلات ایـران، واحـدهای مختلـف جغرافیایی و کانون های حکومتی متعددی وجود داشت که قدرت آن ها گـاه برگرفتـه از نیـروی مردم کوچ‌نشین (ایل ها) و زمانی ناشی از زندگی یک‌جانشین ها بوده است.

ویژگی های مهم این کانون های حکومتی از نظر جغرافیایی به این شرح است:

- قلمرو جغرافیایی این کانون ها با قلمرو واحدهای جغرافیایی طبیعی انطباق داشته است.
- در اکثر این قلمروها، دو نوع معیشت مبتنی بر یک‌جانشینی و کوچ‌نشینی وجـود داشـته که اغلب مکمل هم بوده اند.
- قدرت حکومتی این کانون‌ها اغلب ناشی از نیروی کوچ‌نشینان و برخی ائتلاف آن‌ها بـا یک‌جا نشینان بوده است.
- در داخل این کانون ها، همیشه تضاد دائمی بین این دو قدرت وجود داشته است.
- هر زمان که حکومت از آن کوچ‌نشینان بوده، با اتکا بـه نیروهـای رزمنـده ی خـود بـه قدرت بزرگی دست می‌یافتند و کانون های مجاور را نصیب قلمرو خود می ساختند.

به‌طورکلی، می توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که کانون های سیاسی و حکومتی ایران قدیم در قالب واحدهای جغرافیایی و طبیعی و بر اثر دو نوع معیشت مبتنی بـر یـک‌جانشـینی و کـوچ-نشینی تکوین یافته است.

از این‌رو آریایی ها پس از ورود و اسکان در ایران، به ساختن مراکز روستایی و شـهری اقـدام کردند. این کار به کمک اقوام بومی ساکن در ایران و در هم‌زیستی با آن ها انجام شد. آنان ابتـدا قلعه های بزرگ ساختند که بخشی از آن را بـه سـکونت و بخشـی بـه نگهـداری دام اختصـاص داشت. سپس این استقرارگاه‌ها کم‌کم به شهرهای بزرگ تبدیل شد.

تشکیل واحـدهای سیاسی حکومتی در خـراسان بزرگ

اگرچه فلات ایران خود یک واحد جغرافیایی به شمار مـی آیـد، ولـی در مقیـاس ناحیـه ای و محلی، هر قسمت از این فلات، نسبت به قسمت های کنـاری خـود دارای تفـاوت هـای بـرون-گروهی و همگنی‌های درونی است که آن ها را به صورت واحدهای جغرافیـایی ریزتـر و مجـزا از هم تقسیم می نماید.

در این میان، اقلیم و توپوگرافی در جداسازی این ریزواحدها تأثیر بسزایی دارد. بنـابراین، هـر کدام از این ریزواحدهای جغرافیایی از شرایط اقلیمی و توپوگرافی و همچنـین از ظرفیـت و تـوان زیست محیطی مختلفی برخوردار است. این ظرفیت ها محیط های متفاوتی را برای زندگی کوچ-نشینی با اقتصاد دامداری و یک‌جا نشینی با اقتصاد کشاورزی فراهم می آورد که از دیربـاز، مـورد توجه ساکنان اولیه فلات ایران بوده و برای تکوین اولین واحدها و کانون های سیاسی حکـومتی ایران بستر مناسبی محسوب می شده‌است. لذا در شکل گیـری و اسـتقرار قـدیمی تـرین مراکـز سیاسی و حکومتی فلات ایران مؤثر بوده است.

برخی از این مراکز حکومتی که منطبق بر خراسان بزرگ بوده اند ،عبارت اند از:

۱- کانون حکومتی باختر در واحد جغرافیایی بلخ،

۲- کانون حکومتی پارت ها در واحد جغرافیایی گرگان و خراسان.[۱]

خـراسان بزرگ و شهرهـای مهم آن در دوران هخامنشیـان

نام سرزمین های تابع پادشاه هخامنش در سنگ نبشته‌ی آرامگاه داریـوش ایـن گونـه آمـده است:

ماد، خووج (خوزستان)، پرثوه (پارت)، هریبو (هرات)، بـاختر، سـفر، خـوارزم، زرنـگ، آراخوزیـا (افغانستان جنوبی تا قندهار)، ثته گـوش (پنجـاب)، گنـداره (کابـل و پیشـاور)، هنـدوش (سـند)، سکاهوم ورکه (سکاهای ماوراء جیحون) سگاتیگره خود (سکاهای ماوراء سـیحون)، بابـل، آشـور، اربایه (عربستان)، مودرایه (مصر) ارمنیه (ارمن)، کته په توک (کاپادو کیـه، بخـش شـرقی آسـیای صغیر)، سپرد (سارد و سیدیه در مغرب آسیای صغیر) یئونه (یونانیان آسیای صغیر)، سـکایه تردریـا

[۱] آلارت اهلزر، ایران، مبانی یک کشورشناسی جغرافیایی، ترجمه محمدتقی راهنمایی ج۱، (تهران: مؤسسه سحاب، ۱۳۶۵).

(سکاهای آن سوی دریا کریمه و دانوب)، سکودر (مقدونیـه)، یئونـه تـک بـرا (یونانیـان سـپردار: تراکیه، تراس)، پوتیه (سومالی)، کوشیا (کوش، حبشه)، مکیه (طرایلی، برقه)، کرخا (کارتاژ و قـرط امینه)

همان‌طور که ملاحظه می گردد، در دوران هخامنشی شهری در خراسـان بـزرگ بـه عنـوان پایتخت برگزیده نشده ولی شهرهایی مانند خوارزم، هرات، سـند و زرنـگ از شـهرهای مهـم آن دوران و پایتخت محلی ساتراپ های هخامنشی بوده اند.

خـراسان بزرگ و شهـرهای آن در زمان اشکانیـان

قلمـرو حکومت اشکانیـان

اشکانیان که از قوم پارت بودند که از ایالـت «پارتیـا» کـه مشـتمل بـر خراسـان فعلـی بـود، برخاستند. سرزمین پارت در کتیبه‌ی داریوش اول با نام «پرثوه» آمده و چون پـارتی هـا از اهـالی ایالت پهلوه بودند، لذا به آن ها پهلوی می گفتند. قبایل پـارتی در آغـاز بـا قـوم «داهــه» کـه در مشرق دریای خزر می‌زیستند، در یک‌جا سکونت داشتند و سپس از آنان جدا شـدند و در ناحیـه‌ی خراسان ساکن گردیدند.

شهـرهای مهم و پایتخت های حکـومتی اشکانیان در خـراسان بزرگ

پارتی ها به شهرنشینی و شهرسازی علاقه ی خاصی داشتند و بانیان شهرهای بزرگی بودنـد. شکل این شهرها اغلب دایره ای شکل بوده و از اصول شهرسازی قـدیم آسـیای غربـی اقتبـاس شده است[1].

رشد شهرنشینی در این دوره نسبت به قبل شتاب بیشتری یافت و به علت توسـعه ی روابـط بازرگانی و تجاری با همسایگان، شهرها از حالت نمایش قدرت و عظمت فرمانروایان خارج شـد و به نقش تجاری و بازرگانی گرایش یافت.

---

[1] ر. گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چ۱۰،(تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲).

پایتخت دولت اشکانی بر حسب تغییرات مرزهای سیاسی آن ها تغییر مـی کـرد. زمـانی کـه اشکانیان در سرزمین پارت حکومت داشتند، پایتخت آنان شهر «نسا» در نزدیکی عشق‌آباد کنونی و سپس شهر «آساک» در نزدیکی قوچان بود.

شهـر نسـا

مقر اجدادی سلسله‌ی اشکانیان شهر نسا بود کـه امـروزه ویرانـه هـای آن در نزدیکـی شـهر عشق‌آباد پایتخت کشور ترکمنستان قرار دارد. نسا شامل دو محوطه به نام های نسـای جدیـد و نسای قدیم است. نسای جدید

شهر و نسای قدیم قلعه ای بود با اقامتگاه شاهانه و کـاخ و خزانـه‌ی ادارات، پادگـان و شـاید نیایشگاه. نسای جدید بسیار قدیمی‌تر از نسای قدیم و حتی پیش از تاریخ نیز مسکونی بوده است، اما در هنگام دایر بودن نسای جدید نسای قدیم متروکه بوده و این نام‌هـا بـر آن‌هـا نهـاده شـده است. نسای کهنه در حدود ۵ کیلومتری جنوب شرقی نسای جدید قرار گرفته است.

خراسـان بزرگ بعد از ورود مسلمانـان

در طول مدتی که ایران به مرور به تصرف مسلمانان درآمد، اسامی شهرها، ایـالات و منـاطق جغرافیایی ایران توسط فاتحان عرب تعیـین مـی گردیـد. لـذا در کتـاب‌هـای جغرافیـایی دوره‌ی اسلامی، از این مناطق با اسامی جدید نام برده شده است. در ایـن زمـان از سـرزمین ایـران بـه هشت اقلیم عجمی تعبیر می شد که یکی از آن‌ها، اقلـیم «خـاوران» بـود کـه شـامل خراسـان، ماوراءالنهر، طالقان، عزنین، کابل، هرات و ترکمنستان می شد[۱].

حکـومت طاهریان در خـراسان بزرگ

طاهربن حسین مشهور به «ذوالیمینین» از سال ۲۰۶ه.ق. در خراسان جدایی خود را از بغـداد اعلام کرده و در سال ۲۰۷ ه.ق. با حذف نام مأمون درخطبه‌های نماز، استقلال خود را اعلام و اولین دولت اسلامی را در ایران بنا نهاد و نیشابور را پایتخت خود قرار داد[۲].

---

[۱] مصطفی مؤمنی، «شهر شرق اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۱ (بهار ۱۳۷۳)، ص ۳۴.
[۲] محمد و دیگران، اطلس ملی ایران (تاریخ)، (تهران: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۸۷)، ص ۵۸.

پـــایتخت های طاهــریان

مــرو

مرو امروزه مرکز استان ماری در کشور ترکمنستان است. این شهر و در انتهای جنـوبی کـویر «قره‌قوم» و در فاصله‌ی نود مایلی شمال شـرقی سـرخس قـراردارد و از رود مرغـاب «مـرورود» مشروب می شود.به ساکنان مرو در فارسی «مروزی» گفته می شود.

پیشینه‌ی شهر مرو به پیش از میلاد مسیح می رسد. این شهر از شهرهای باستانی آریاییـان و از مراکز فرهنگی ایرانیان بوده است. داریوش اول در سـنگ‌نبشـته بیسـتون مـرو را «مرگـوش» نامیده و با باختر اسم برده است. این شهر پس از اسلام، مرکز حکومت مأمون عباسـی و یکـی از کرسی های بزرگ خراسان بود که به آن «مرو شاه‌جهان» نیز می گفته اند[۱].

مرو یکی از چهار شهر قدیم خراسان بود که زمانی پایتخت این استان بوده اسـت. سـه شـهر دیگر عبارت بودند از: نیشابور، بلخ و هرات. دلیل انتخاب شهر مرو بـه عنـوان پایتخـت، پیشـینیه فرهنگی آن بود.

نیشــابور

نیشابور یکی از شهرهای استان خراسان رضوی در شرق ایران است. این شهر از مراکز مهـم فرهنگی، گردشگری، صنعتی و تاریخی ایران است. سازنده‌ی شهر نیشابور را «اقرسعل» «شـاپور اول» پادشاه ساسانی دانسته اند که در زبان پهلوی آن را «نیوشاهپور» می‌گفتند.

نیشابور یکی از چهار شهر مهم خراسان بزرگ قدیم به شمار رفته است. این شـهر در دوره‌ی طاهریان به عنوان پایتخت این حکومت مستقل ایرانی که حامی و مروج علوم بود، انتخاب شـد و رشد خود را سریع تر دنبال کرد و بزرگانی چون خیام و عطارنیشابوری را به جهانیان معرفی نمود. انتخاب نیشابور به عنوان پایتخت در زمان طاهریان، بنا به دلایل زیر بود:

۱- **مذهبی:** گرامی بودن چهار عنصرخاک، باد، آب و آتش در نزد ایرانیان که در نیشابور به وجه مطلوبی وجود داشت،

---

[۱] مقدسی، احسن التقاسیم فی المعرفه الاقالیم، بخش دوم، ترجمه علی نقوی منزوی (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱)، ص ۵۹-۶۱

۲- **طبیعی:** به علت روانی آب از کوه بینالود به سوی دشـت هـای وسـیع و زمـین مسـاعد کشاورزی و

۳- **سیاسی:** به علت آن‌که خراسان بزرگ‌ترین ایالت ایران بود.

حکـومت سامانیان در خـراسان بزرگ

قلمرو سامانیان که از سال ۵۲۸۷ه.ق. حکومت را به‌دست گرفتند، تقریباً تمامی حوزه‌ی انتشار زبان فارسی آن روز را در بر می گرفت. این قلمرو وسیع در ایران کنونی شامل خراسان، سیستان، کرمان و در برخی موارد نواحی گرگان، طبرستان ساری، قزوین و زنجان بوده است.

بخارا، تنها پایتخت سامانیان، واقع در خراسان بـزرگ واقـع بـود. ایـن شـهر در حـال حاضـر پنجمین شهر بزرگ کشور ازبکستان و مرکز استان بخارا است. شهر بخـارا در جلگـه ای واقـع در مسیر سفلای رود زرافشان و در کنار کانال شهررود واقع است. این شهر همراه با سمرقند یکی از دو شهر عمده‌ی تاجیک‌نشین است که۸۵ درصـد مـردم آن بـه زبـان فارسـی و لهجـه تـاجیکی صحبت می کنند. درباره‌ی واژه‌ی «بخارا» نظرها متفاوت است. بعضی معتقدند بخـارا بـه معنـای پرستشگاه است که در زبان سانسکریت به صورت «ویهارا» آمده است. جـوینی بخـارا را مجمـع بزرگان نامیده و بخارا است[۱].

بخارا یکی از شهرهای مهم ماوراءالنهر و یکی از کانون های دانش و ادب ایران بوده اسـت و سامانیان این شهر را به دلایل زیر به عنوان پایتخت برگزیدند:

۱- موقعیت جلگه ای شهر و حاصلخیز بودن زمین های اطـراف آن و داشـتن محصـولات متنوع کشاورز. این شهر در جلگه رود زرافشان قرار دارد و

۲- موقعیت ارتباطی شهر و قرارگیری بر سر راه تجاری ابریشم.

حکـومت غزنویان (آل ناصر) در خـراسان بزرگ

دولت غزنوی معروف به دولت آل ناصر یا دولت ناصرالدین، یک دولت فارسی‌زبـان نظـامی و اسلامی بود. این دولت خاستگاه نژادی و پایگاه ملی خاصی نداشت، اما در مـدت اعـتلا یعنـی از اواسط قرن چهارم تا اواسط قرن پنجم هجری، غالباً به عنوان مروج و ناشر اسـلام در بـین کفـار

[۱]عطاء الملک جوینی، تاریخ جهان‌گشا، تصحیح محمد قزوینی (لیدن: ۱۹۳۷- ۱۹۱۱ م).

هند و مدافع مذهب تسنن در خراسان و نواحی وابسته، مورد توجه و تأیید خلافت بغـداد و حتـی محبوب متشرعه اهل سنت در خراسان و اکثر بلاد فارسی‌زبان اهل تسنن بـود. بنیـان‌گـذار ایـن دولت، ناصرالدین سبکتکین بود.

غــزنین تنها پایتخت غــزنویان

شهر غزنین یا غزنی، مرکز ولایت غزنین و از شهرهای مرکز افغانسـتان اسـت. غـزنین در قدیم مرکز زابلستان، شهری بزرگ و ولایت وسیعی در خراسان بود. ساکنان این شهر را غزنوی و در گویش محلی غزنیچی گویند. غزنین جایگاه ادبای بزرگی همچون حکیم سنایی غزنـوی بـود. این شهر بنا به دلایل زیر پایتخت دولت غزنوی گردید:

۱- شهر غزنین از قدیم الایام مرکز زابلستان و خراسان بوده است،

۲- شهر غزنین بر سر راه تجاری ابریشم واقع شده بود،

۳- این شهر از سال ها پیش مرکز فرهنگی و مذهبی خراسان بوده است،

۴- این شهر در یک تعادل نسبی با سایر شهرهای دیگر منطقه قرار گرفته و لـذا دسترسـی به سایر نقاط قلمرو از این شهر، امکان‌پذیر بوده است و

۵- از نظر استراتژیکی پایگاه مناسبی جهت لشکرکشی های سـلاطین غزنـوی بـه هنـد و پاکستان بوده است.

حکومت سلجــوقیان در خراســان بزرگ

حکومت سلجوقی که از ماوراء سیحون تا سواحل مدیترانـه و از دریـای عمـان تـا تفلـیس گرجستان گسترش داشته است. یکی از وسیع‌ترین، قوی‌ترین و پایدارترین دولت هایی اسـت کـه در ایران به قدرت رسیده است. تأسیس این حکومت در ولایت خراسان در شهر ابیـورد در حـوالی شهر سرخس بوده است.

پــایتخت های دولت سلجــوقی

در زمان سلجوقیان، برای اولین بار در طول تاریخ ما همزمان چند شهر پایتخت ایـران بودنـد که شامل شهرهای اصفهان، مرو، نیشابور و بغداد می‌شدند هریک از ایـن شـهرهـا ویژگـی‌هـای سیاسی خاص خود را داشتند.

حکـومت خوارزمشاهیان در خـراسان بزرگ

سلجوقیان برای اداره‌ی امور مناطق دوردست خود افرادی به نام اتابک را مأمور می ساختند. بیشتر این اتابکان، موقعیت خود را تا زمان حمله‌ی مغول به ایران حفظ کرده بودند. یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین آن‌ها اتابکان خوارزم بودند که به خوارزمشاهیان نیز شهرت داشتند.

خوارزم که در کتیبه هـای هخامنشـی بـه صـورت «هوارزمیـا» و بعـد از اسـلام بـه‌صـورت «خوراسمیه» آمده، ناحیه ای است در خراسان بزرگ در سـفلای رود جیحـون. حـدود آن عبـارت است از: دریاچه‌ی آرال تا سواحل دریای خزر و نواحی ابیورد و تمامی نواحی رودخانه‌ی سـیحون. خوارزمشاهیان دارای دو پایتخت بودند که در زیر به آن ها اشاره می‌شود.

سمـرقند

شهر سمرقند در حال حاضر دومین شهر بزرگ کشور ازبکستان است. بیشتر ساکنان این شهر به فارسی تاجیکی صحبت می کنند. نام سمرقند عربی‌شده‌ی واژه‌ی پهلـوی سـمرکند اسـت کـه معنی ترکیبی آن سنگ دژ می باشد. ریشه‌ی جزء اول یعنی «سمر» از «اسمرا» به معنی سنگ یا صخره و جزء دوم آن (کند) از «کنتا» به معنی دژیا شهر است. واژه‌ی یونانی آن «مرکنده» است. این شهر از بزرگ‌ترین شهرهای ماوراء النهر و یکی از کانون هـای دانـش و ادب ایـران پـس از اسلام بوده است.

گـرگـانج

گرگانج شهری است باستانی در کنار شهر کنونی «کهند گرگـانج» در کشـور ترکمنسـتان. در گذشته، این شهر بزرگ‌ترین شهر بر سر راه ابریشم بـود و پـس از بخـارا، پرجمعیـت‌تـرین شـهر آسیای میانه به شمار می‌رفت.

از دلایل انتخاب این دو شهر به عنوان پایتخت در زمان خوارزمشاهیان می توان به مـواردزیر اشاره کرد:

۱- اهمیت تاریخی سمرقند وگرگانج،

۲- این دو شهر با قرار داشتن در مرکز جاده‌ی ابریشم، به عنوان پیونددهنده‌ی چین و اروپـا دارای اهمیت چشمگیری بودند،

۳-   قرارگیری گرگانج در نزدیکی آمودریا و دسترسی آسان به آب رودخانه،
۴-   سمرقنداز بزرگ‌ترین شهرهای ماوراء النهر و یکی از کـانون هـای دانـش، ادب، هنـرو معماری ایران پس از اسلام بودو
۵-   گرگانج پس از بخارا پرآوازه‌ترین شهر آسیای میانه در زمانه خود بود.

حکـومت تیموریان در خراسـان بزرگ

پس از فتح ایران توسط مغولان، از آن‌جایی که امرای مغول مرکز ثابتی نداشتند و بیشـتر بـه صورت یورت در مراتع و چراگاه‌های ماوراءالنهر جابه‌جا می شدند، لذا حکومت هـای ایـران را بـه صورت تیول و سیورغال به امرای محلی می سپردند. امرای محلی که در این مـدت بـر خراسـان حکومت می کردند   عبارت بودند از: سـربـه‌داران در سـبزوار خراسـان و آل کـرت در هـرات و نیشابور.

درواقع، می توان گفت که خراسان در مرکز متصرفات تیموریان قرار داشـت و پایتخـت هـای تیموریان یعنی دو شهر هرات و سمرقند نیز از این ناحیه انتخاب گردیدند.

هـرات

در حال حاضر، هرات مرکز ولایت هرات در شمال غرب افغانستان است و هریرود از کنـار آن می گذرد. هرات همراه با کابل، قندهار و مزار شریف یکی از چهار شهر بزرگ افغانستان محسوب می شود. ساکنان اصلی آن را تاجیکان تشکیل می دهند که به زبان فارسی با لهجه هراتی سخن می گویند. این شهر پیش از کشف اقیانوس هند، در گذرگاه جاده‌ی ابریشم قـرار داشـت و نقـش بزرگی را از لحاظ بازرگانی میان شبه‌قاره هند، شرق میانه، آسیای مرکزی و اروپا بازی مـی کـرد. هرات از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول تاریخ بستر مناسبی برای تلاقی تمـدن هـای شـرق و غرب به شمار می رفت. از دلایل انتخاب شهرهای هرات و سمرقند به عنوان پایتخـت تیموریـان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-   دسترسی شهر هرات به آب رودخانه هریرود،
۲-   هرات و سمرقند در مرکز متصرفات تیمور قرار داشتند،
۳-   هرات پیش از کشف اقیانوس هند، در گذرگاه جاده‌ی ابریشم قرار داشت و نقش بزرگی را در بازرگانی میان شبه‌قاره‌ی هند، شرق میانه، آسیای مرکزی و اروپا بازی می کرد. این شهر از

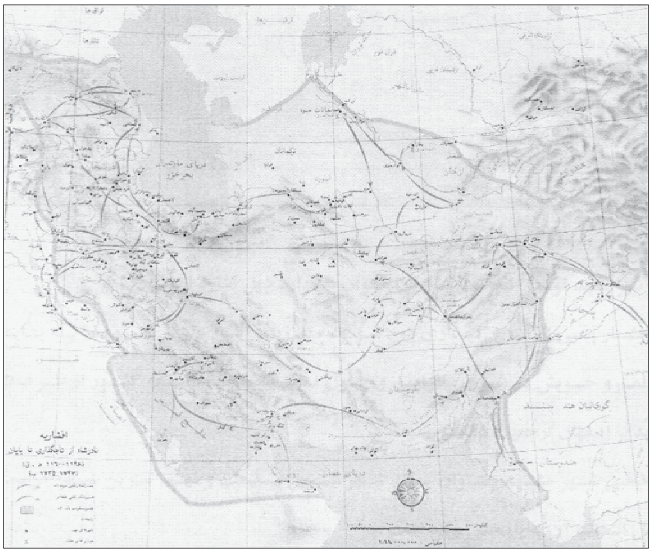
لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول تاریخ بستر مناسبی برای تلاقی تمدن های شرق و غـرب بـه شمار می رفت. ازاین‌رو، هرات یکی از گهواره های تمدنی در تاریخ پربـار خراسـان شـناخته مـی شود.

۴– هرات همراه با نیشابور، مرو و بلخ یکی از چهار قسـمت ایالـت خراسـان بـود کـه هـم مرکزی برای مسیحیت تحت نفوذ کلیسای نستوری و هم پایگاهی مهم برای تصـوف، بـه شـمار می رفت.

۵– هرات به لحاظ موقعیت ژئوپلتیکی خاص، دروازه‌ی آسیای شرقی، به‌خصوص هندوستان بود.

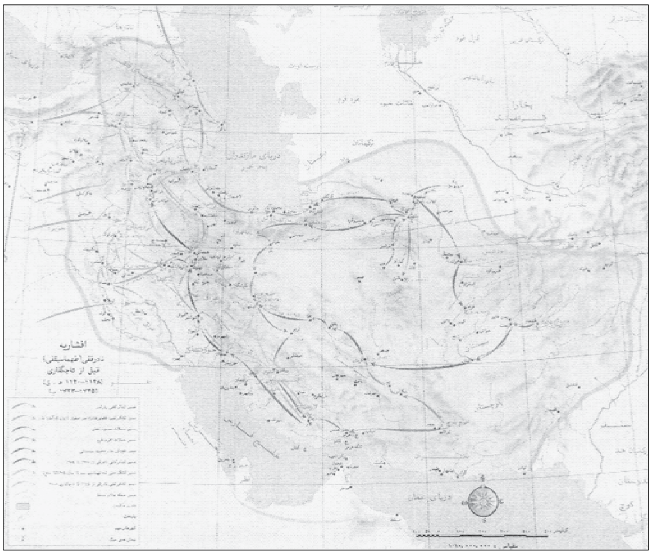
حکومت افشاریـان در خراسان بـزرگ

افشاریه از قبایل قزلباش بودند که بعد از حمله مغول به آذربایجان رفته و در زمـان صـفویه و در عصر شاه عباس از آذربایجان به خراسـان کوچانـده شـده و در مـرز (بیـورد و دره گـز مسـتقر گردیده تا مرزبان این نواحی باشند (آرنط، ۱۷:۱۳۵۶) ، بنیانگذار این سلسله نادرشاه افشار است که پس از خروج افغانها از ایران به تخت سلطنت نشست و یکی از بزرگترین حکومت های ایـران را تشکیل داد. افشاریان در طول مدت حکومتشان دو شهر ابیرود و مشهد را پایتخت خود قرار دادند.



مشهـد

شهر مشهد که امروزه یکی از بزرگترین شهرهای ایران است تـا آغـاز قـرن سـوم هجـری از اهمیت زیادی برخوردار نبود و در جایگاه روستایی بنام سناباد واقع شده بود. پـس از بـه شـهادت رسیدن حضرت امام رضا(ع)، رونق و آبادانی مشهد الرضا(سناباد) آغاز شد. در اوایل قرن ۶ هجری و در زمان سلطان محمد خدابنده پادشاه شیعه مغول، شهر مشـهد مـورد توجـه قـرار گرفـت و در زمان صفویان نیز که در اعتلای شعایر مذهب شیعه سعی فراوان داشتند، مشهد توسـعه بیشـتری یافت تا اینکه در زمان افشاریان به پایتختی انتخاب شد.



از دلایل انتخاب شهـر مشهد توسط حکومت افشـاریان میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

- نادرشاه افشار پس از تاج گذاری در دشت مغان به این دلیل مشهد را به پایتختی برگزید که تا بسط قلمرو خویش در شرق بیافزاید و چون نادر نگاه بـه توسـعه کشـور از طـرف شرق داشت از این لحاظ مشهد بر اصفهان ارجهیت داشت.

- اهمیت مذهبی شهر مشهد بعنوان یک شهر شیعی مذهب و مهم ترین شهر خراسان در زمان نادر از دیگر دلایل انتخاب آن به پایتختی بوده است.
- موقعیت پایکوهی مشهد، اهمیت نظامی این شهر را افزایش می دهد.

خراسـان بزرگ پس از حکومت افشاریـان

پس از پایان حکومت افشاریان و با توجه به قدرت رسیدن حکومتهای زندیه، قاجاریه، پهلـوی و جمهوری اسلامی ایران و با ذکر این نکته که در زمـان قاجاریـه خراسـان بـزرگ بـه خراسـان امروزی تبدیل گردید و مرزهای کنونی مرزهای خراسان امروزی گشت، علی رغـم آنکـه اسـتان خراسان و علی الخصوص شهر مشهد همیشه یکی از منـاطق مهـم و اسـتراتژیک کشـور ایـران بخصوص در زمینه ژئواکوتومیک بوده اند ولی هیچگاه مورد توجه جهت پایتختی کشور نگرفته.

نتیجـه گیری

یکی از شاخه های مهم علم وسیع جغرافیا که در محافل پژوهشی کشور کمتر تـاکنون مـورد توجه قرار گرفته است، جغرافیای تاریخی می باشد، در این تحقیق سعی گشته، جغرافیای تاریخی خراسان بزرگ از دو منظر جغرافیای شهری و جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار گیـرد و دلایـل انتخاب پایتخت های ایران در این محدوده جغرافیایی مورد واکاوی واقع شود. شهرهایی همچون: نسا، آساک، نیشابور، مرو، زرنگ، غزنین، سمرغند، گرگانج، هرات، مشهد همگی درطول تـاریخ و در زمانهای حکومتهای مختلف از سلوکیان تا افشاریان سابقه پایتختی ایران را دارند که مهمترین دلیل پایتخت قرار دادن این شهرها علاوه بر موقعیت ژئوپولیتیکی، موقعیت ژئواکوتـومیکی اسـت که اکثرا در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته اند. امید آنسـت کـه بـا توجـه بـه مرکـز قـرار گـرفتن ژئواکوموتیک در معاملات امروزین جهان در امر توسعه منـاطق، دوبـاره شـاهد حضـور خراسـان بزرگ که حدودش بسیار بیشتر از استان خراسان امروزی است باشیم.

فهرست منابع

آنوا، ر. م، دولت نادرشاه افشار، ترجمه حمید امین، تهران: انتشارات شبگیر، ۱۳۵۰ .
اهلرز، آلارت. ایران، مبانی کشور شناسی جغرافیایی، ج اول، ترجمه محمدتقی رهنمایی، تهران: مؤسسه سحاب، ۱۳۶۵ .
پیرنیا، حسن. معماری ایران، به اهتمام آسیه جوادی، تهران: انتشارات مجرد، ۱۳۶۳.
جوینی، عطاءالملک. تاریخ جهان گشا، در سه جلد، به اهتمام محمد قزوینی، لیدن: ۱۹۳۷-۱۹۱۱ میلادی.
دیاکونف، ایگورمیخائیلویچ، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۱.
دیاکونف، ایگورمیخائیلویچ، تاریخ ماد، چ دوم، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۷.
عزتی، عزت الله. جغرافیای استراتژیک ایراندر سه جلد، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۹.
عباسی سمنانی و دیگران، نقش عوامل جغرافیایی در انتخاب نهادها و پایتخت‌های حکومتی ایران، تهران: سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۸.
شعبانی، رضا. تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج اول و دوم، چ اول، تهران: انتشارات نوین، ۱۳۶۵.
شعبانی، رضا. تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نشر قومس،۱۳۷۱.
شعبانی، رضا. تاریخ اجتماعی ایران در عصر صفویه، چ دوم، تهران: انتشارات نوین، ۱۳۵۶.
گریشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام، چ چهارم، ترجمه محمد معین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵.
گریشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام، چ نهم، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
گریشمن، رومن. هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه فرهوشی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۰. گریشمن، رومن. هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، چ دوم، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۱.
مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، بخش دوم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
مدد، محمد و دیگران، اطلس ملی ایران(تاریخ)، چ اول، تهران: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۸۷.
مؤمنی، مصطفی. «شهر شرق اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش اول، بهار۱۳۷۳.

Barney, Charles: from villag to empire (an intro duction to near eastern Archaeology), phaldon, oxford, 1971.
Hinna, w. darios and die presser, 1976.
Siroux: athare IRAN. I, III, 1938